

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **ربانیت**

سال پانزدهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۴۰۰

صفحه ۳ تا ۲۶

نقش توانمندسازی بر افزایش مشارکت اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین بعد از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: شهرستان پاکدشت)

مرتضی امینی / گروه علوم سیاسی - جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران eskandari_paia@yahoo.com

محمدعلی خسروی / گروه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران ن. (نویسنده مسئول) malikhosravi@gmail.com

عباس خلجی / گروه علوم سیاسی، فرهنگی اجتماعی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران،

ایران. abbas.khalagi@gmail.com

چکیده

رشد جمعیت و افزایش بی‌رویه مهاجرت به شهرها خصوصاً شهرهای بزرگ باعث بروز مشکلات و مسائل زیادی فراروی شهر و مدیریت شهری، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه شده است. شهرستان پاکدشت به علت نزدیک بودن به شهر تهران و شکل‌گیری حاشیه‌نشین، دارای محلات فقیرنشین است که موجب پیامدها و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در این منطقه شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین بر افزایش مشارکت اجتماعی شهر پاکدشت تدوین شده است. پژوهش از نوع توصیفی تحلیلی و از نظر روش اجرا پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش کلیه ساکنان شهرستان پاکدشت (محله استاد شهریار) بودند که از این تعداد با استفاده از جدول کوکران ۳۷۹ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بوده است و کلیه مراحل تحلیل و تبیین اطلاعات با استفاده از نرم افزار آماری Spss انجام شده است. نتایج به دست آمده نشان داد بین توانمندسازی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد و تأثیرات مثبت بسیاری بر مناطق حاشیه‌نشین داشته باشد.

کلیدواژه: توانمندسازی، مشارکت اجتماعی، مناطق حاشیه‌نشین، پاکدشت.

تاریخ تأیید ۱۳۹۹/۵/۲۵

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۴/۲۶

مقدمه

در دهه‌های اخیر رشد جمعیت شهری و به تبع آن شهرنشینی در نتیجه مهاجرت افزایش یافته است، به طوریکه با ادامه روند فعلی جمعیت شهری از ۲,۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ به ۵ میلیارد نفر در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. توسعه فیزیکی و شتابان و نامتعادل شهرها، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی بسیاری داشته که حاشیه‌نشینی یکی از این آثار است (قرنل سوفلو و انتظام، ۱۳۹۴: ۳). رشد سریع شهرنشینی در دوران حاضر، بیش از هر زمان دیگر، نه تنها هویت شهری و کارکردهای مورد انتظار از آن را دستخوش تغییر ساخته بلکه زمینه بروز مخاطرات جدی را هم در مناطق شهری فراهم آورده است. حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی، بیش از هر چیز یک واقعیت کالبدی و ریخت‌شناسی است که حاصل اسکان یافتگی گروهی از مردم بوده است. طبق آمارهای موجود حدوداً هشت میلیون نفر از جمعیت ایران در این نوع سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند، استان تهران به خاطر فرصت‌های شغلی و معیشتی بستر جمعیت کثیری از مهاجران بی‌بضاعت است که مهاجران برای خروج از وضعیت فقر به آن پناه می‌برند. شهرستان پاکدشت یکی مراکز مهاجرپذیر در جنوب شرق استان تهران، به خاطر نزدیکی مسافت به شهر تهران، ارزانی زمین و مسکن، وجود چندین شهرک صنعتی، تولیدی و کارخانه‌ها در شهرستان و عدم نظارت و مدیریت صحیح شهری شاهد بروز مناطق حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی در بیست کیلومتری پایتخت جمهوری اسلامی ایران هستیم (پوراحمد و وفایی، ۱۳۹۶: ۶۲). براین اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه توانمندسازی در مناطق حاشیه نشین بر افزایش مشارکت اجتماعی شهر پاکدشت به عنوان یکی از مولفه‌های اثرگذار در برون رفت از وضعیت موجود در این منطقه، تدوین شده است. بنابراین، سؤال اصلی این است که توانمندسازی مناطق حاشیه نشین چه تأثیری بر میزان مشارکت اجتماعی ساکنین این محله‌ها دارد؟ با استفاده از جدول کوکران ۳۷۹ نفر بعنوان حجم نمونه انتخاب شدند، مقیاس اندازه‌گیری شده تحقیق طیف لیکرت پنج گزینه‌ای است که از ۱ (بسیار کم) تا ۵ (بسیار زیاد) نمره گذاری شده است. مقیاس اندازه‌گیری پنج گزینه‌ای از سوال (۲۳-۳۳) مشارکت اجتماعی، از سوال (۳۴-۳۸) آگاهی اجتماعی، از سوال (۳۹-۵۰) توانمندسازی اقتصادی، از سوال (۵۱-۵۷) توانمندسازی اجتماعی و از سوال (۵۸-۶۴) توانمندسازی فرهنگی اختصاص داده شده است با برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی: اشتغال ساکنین، ارتباط با شهرک‌های صنعتی پاکدشت جهت اشتغال ساکنین، حمایت از کسب و کار خانگی، ارائه سند مالکیت، حمایت

نهادی دولتی و سمن ها جهت احیای مالی ساکنین و افزودن این محلات به محدوده شهری. برنامه های اجتماعی: جلوگیری از گسترش سکونتگاه های غیررسمی، ارایه خدمات عمومی از قبیل آب، برق، گاز، جدول گذاری، بهداشت عمومی، ایجاد سرای محله و مکان های ورزشی و استفاده از ظرفیت های نیروهای انسانی محله برای بهبود محل سکونت. برنامه های فرهنگی: آموزش مهارت های زندگی، اطلاع رسانی، جلوگیری از آسیب های اجتماعی اصولی و مناسب می توان زمینه های موثر برای ارتقاء سرمایه اجتماعی ساختاری (مشارکت اجتماعی): عضویت در گروه ها و انجمن های محلی، شرکت در جلسات عمومی از قبیل مساجد، مدرسه و بررسی مسائل شهری، شرکت در انتخابات، همکاری براب شناسایی آسیب های اجتماعی و فرهنگی، حضور در جلسات پرسش و پاسخ مسئولین، ارائه نظرات برای بهبود و پیشرفت محله، احساس تعلق به محل سکونت، افزایش آگاهی از برنامه های عمرانی، فرهنگی و اجتماعی محله، اطلاع از اخبار و رویدادهای محل سکونت و آگاهی از وظایف بخش های دولتی و شهرداری و مسئولین مرتبط مناطق حاشیه نشین (محله استاد شهریار-پاکدشت) را فراهم نمود. نتایج به دست آمده نشان داد بین شاخصه های سنجش توانمند سازی (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) و شاخصه های سنجش مشارکت اجتماعی (میزان تعامل ساکنین با یکدیگر، میزان انسجام اجتماعی، میزان مشارکت در امور اجتماعی و عمرانی، مشارکت در جلسات عمومی، تعلق خاطر به محل سکونت) رابطه مثبت وجود دارد.

بنابراین، مشارکت اجتماعی را می توان فرایند سازمان یافته ای دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف های معین و مشخص به منظور سهیم شدن در منابع قدرت انجام می گیرد. افزایش سرمایه اجتماعی در یک جامعه به منزله افزایش توانمندی آن جامعه است. کشورهای مختلف امروزه دریافته اند که یکی از کارکردها و استراتژی های بسیار مناسب برای دستیابی به توسعه پایدار، جلب مشارکت مردم در امور مختلف از جمله امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، رفاهی، آموزشی، تربیتی، فرهنگی و بهداشتی است. (تیمورثاد، کاوه، ۱۳۹۲: ۱۵) از آنجایی که رشد نامتوازن و غیرمتعارف زندگی مردم در بسیاری از جوامع، در ابعاد گوناگون اجتماعی اعم از اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی؛ می تواند موجبات شکل گیری اماکن مسکونی با عناوینی چون حاشیه نشین یا محلات فقیرنشین، مناطق پایین دست و اماکن فرودست نشین شوند. در این

مناطق به طور عموم مشخصاتی چون تسلط فقر فرهنگی، فقر اقتصادی، فقر قابلیت (ویلسون^۱، ۲۰۱۰م)، تراکم جمعیت بالا و امکانات پایین، نارسایی خدمات عمومی از قبیل امکانات بهداشتی، تغذیه‌ای، فرهنگی، تربیت بدنی و ورزشی و فضای سبز و...، جدایی توده مردم از ساکنان مقیم در طبقات مختلف شهری، احداث ساختمان با مصالح کم‌دوام و بدون داشتن استحکامات و مقاوم‌سازی نسبی، عدم مهارت و شغل ثابت ساکنین این مناطق، نبود احساس تعلق خاطر به محیط زندگی، محرومیت‌های وسیع اجتماعی، سرخوردگی و افول سرمایه‌های اجتماعی، کاهش مشارکت اجتماعی و داشتن انواع آسیب‌های اجتماعی فراوان دیگر موجود می‌باشد، که این امر تهدید جدی برای پایداری و انسجام شهرها و دولت‌های روی کار آمده است. (علیزاده اقدام و محمد امینی، ۱۳۹۱: ص ۱۲۴)

جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو نظیر پارک (۱۹۶۸م)، مهاجرت و حاشیه‌نشینی را از منظر توسعه و گسترش روز افزون گرایش‌های تولیدی - صنعتی و پیشرفت‌های علمی همانند افزایش روز افزون تکنولوژی و فناوری‌های رهیافته بشری، آن را پیامد استیلای صنعت، تحرک و تراکم بالای جمعیت می‌دانند و آن را حائز اهمیت و ارزش گذاری می‌دانند و بر این باور هستند که چنین تغییراتی در درون حوزه‌های کلان شهری، ارزش‌ها و سنت‌های جاه‌طلبانه و به دور از نوع دوستی را توسعه می‌دهند (ربانی و اقشار کهن، ۱۳۸۱: ۹۳).

امروزه مناطق حاشیه نشین، بخش‌های مورد غفلت واقع شده‌ای از شهر هستند که شرایط زندگی و مسکن در آنجا به شدت پایین و نامناسب است. به عبارت دیگر، مناطق حاشیه نشینی یا «زاغه نشین» و یا «آلونک و کپرنشین»؛ مناطقی هستند که: «مهاجران فقیر مصیبت زده ی روستایی، اولین خانه ی ارزان و کوچک خود را در آنجا بنا کرده و شروع به جست و جو برای یافتن کار و شغل مناسب در همان حوالی می کنند. بنابراین مشاهده می شود که قسمت عمده ای از زاغه ها در همجواری مناطق صنعتی یا در محیط‌های تجاری قرار گرفته اند (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۲: ۱۴). حاشیه نشینی یا زاغه نشینی، اصطلاحاتی هستند که به محلات مسکونی غیر متعارف شهری اطلاق می شوند. زاغه ها و آلونک‌هایی که بطور غیر قانونی و نیمه قانونی در زمینهای بایر حاشیه ی شهرها، برپا می شوند و در طول زمان، تثبیت شده و بر

^۱Wilson.

۲- رابرت ازرا پارک (۱۴ فوریه ۱۸۶۴ - ۷ فوریه ۱۹۴۴)، جامعه‌شناس شهری و از چهره‌های برجسته در تاریخ اولیه جامعه‌شناسی در آمریکا و مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو است.

پیکر شهرها، تحمیل می گردند (لرنی، ۱۳۸۴: ۱۸۷). مسکن غیررسمی دیگر صرفاً مجموعه‌ای نامنظم از آلونک‌های ناپایدار نیست بلکه شیوه‌ای برای خانه دارشدن هزاران خانواری است که در شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه، اغلب در بخش غیررسمی امرار معاش می کنند و از تامین رسمی مسکن نتوانند (UN-HABITAT, 2003:6).

ویژگی‌های حاشیه نشین با مجموعه‌ای از گزینه‌های نامطلوب مانند فرسودگی ساختاری، افسردگی، فقر فرهنگی و اقتصادی، تراکم بالای جمعیتی و مسکونی، ناهنجاری‌های رفتاری و ساختمان‌های فاقد شکل و نقشه، کیفیت نامطلوب خدمات و بهداشت و نظایر آن مشخص می شود (بهرامی، ۱۳۸۸: ۶۴). این عوامل سبب می شود که آن‌ها در معرض مسائلی هم چون: ریسک خارج از شهر بودن، خدمات اولیه ناکافی، معاملات غیررسمی زمین و توسعه اتفاقی مسکن قرار گیرند. (Magigi & Majani, 2006, 167).

ساختار شهری غیر منصفانه که منجر به بازار فروش زمین می شود، سیاست نامناسب در اصلاح زمین‌های شهری، دسترسی نابرابر به اقتصاد شهری و اختصاص بودجه‌ای نامناسب دولت جهت اعطای مسکن از جمله عوامل به وجود آورنده پدیده اسکان غیر رسمی شناسایی شده اند (Huchzermeyer, 2004, 343).

حاشیه نشینی و سکونتگاه‌های غیر رسمی، یکی از پیامدهای مخرب و نابسامان رشد شتابان جمعیت است که بطور روز افزونی در حال رشد و توسعه است. در بیشتر شهرهای بزرگ ایران نیز که از رشد جمعیت بالایی برخوردار است ما بوضوح شاهد مناطق حاشیه نشین هستیم که مسائل و معضلات مختلف و پیچیده‌ای را فراروی مدیریت شهری کشور قرار داده است (لرنی، ۱۳۹۱: ۲۴۷).

حاشیه‌نشینی و مشکلات خاص آن برای مدیران شهری معضل ساز می باشد. نکته مهم درباره حاشیه‌نشینی این است که این پدیده درعین حال که نتیجه و حاصل معضلات اجتماعی و خصوصاً اقتصادی است، به مشکلات دیگری همچون آسیب‌های اجتماعی نیز دامن می‌زند. کارشناسان و مدیران شهری رویکردهایی را برای رویارویی با این مسئله بکار گرفته‌اند، رویکردهایی که با توجه به پیچیدگی و پویایی شهرها مدام در حال تغییر است. پس از به کارگیری رویکردهایی همچون نادیده گرفتن، تخریب و جابجایی، عرضه زمین و خدمات، و بهسازی که هیچ‌یک در عرصه عام چندان موفقیت‌آمیز نبودند، ناکارآمدی دیدگاه از بالا به پایین در حل مشکلات سکونتگاه‌های غیررسمی روشن شد. ازاین‌رو به کارگیری دیدگاهی متفاوت با برنامه‌ریزی سنتی و بهره‌گیری از مشارکت مردمی بیش از

پیش مورد توجه قرار گرفت و بدین ترتیب توانمندسازی به عنوان رویکرد تازه ای برای رویارویی با اسکان غیررسمی مطرح شد (توکلان و مهری، ۱۳۹۶: ۱).
رویکردهای مسلط در برنامه ریزی برای حل مسئله مناطق حاشیه

نشین

رویکرد	دوره رواج و تسلط	تکات اصلی
نادیده گرفتن	تا دهه ۱۹۶۰	با توسعه اقتصادی در کل جامعه مشکل حل خواهد شد مشکل ساختاری است و با برنامه ریزی محلی حل نخواهد شد.
تخلیه اجباری و حذف	۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ در برخی کشورها تا کنون	سکونتگاه های غیر رسمی غده چرکین بر بدن شهر هستند که باید برچیده شوند.
خودیاری	۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰	بهره گیری از نیروی کار، مهارت و توان مدیریت ساکنان در حل مشکل
مسکن عمومی (اجتماعی)	۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰	دولت و منابع دولتی کلید حل مشکل است نیاز به یارانه های هدفدار مسکن
مکان - خدمات	۱۹۸۰ تا کنون	تأمین زمین و زیر ساخت های اولیه راه حل است.
بهسازی	۱۹۹۰ تا کنون	تأمین حق تصرف و زیر ساخت ها با بهره گیری از وضع موجود
توانمند سازی		ایجاد چارچوب سیاسی، اداری و محیطی استفاده از ظرفیت های درونی اجتماعات محل توسعه اقتصادی و اجتماعی

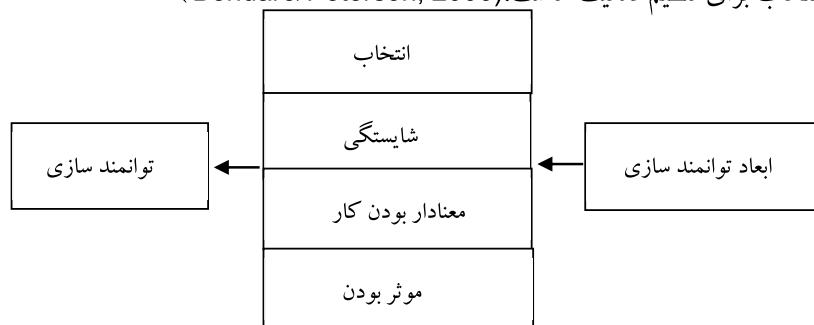
ماخذ: صرافی، ۱۳۸۲

مبانی نظری تحقیق:

در طول زمان، برخورد با مناطق حاشیه نشین و سکونتگاه های غیر رسمی، رویکردهای متفاوتی از قبیل نادیده انگاری، تخریب، تخلیه اجباری، مسکن اجتماعی و زمین - خدمات انجام شده است، پیشینه برخورد با این مساله نیز نشان می دهد که اکثر رویکردهای استفاده شده، به دلیل توجه صرف به یکی از ابعاد چندگانه این پدیده (عمدتاً بعد کالبدی) و نیز در نظر نگرفتن خواسته ها و نیازهای ساکنان و عدم توجه به مشارکت آنان نتوانسته اند موفق عمل کنند. لذا باید در جستجوی رویکرد جامع در نحوه مواجهه با این سکونتگاه ها بود تا بتوان به یکپارچگی این محله ها با محله های رسمی شهر دست یافت (زیاری و نوذری، ۱۳۸۸:

۲۱). در این میان، رویکرد توانمندسازی با برخوردی همه جانبه به مناطق حاشیه نشین، بسان پدیده‌ای فراتر از یک موضوع صرفاً کالبدی توجه نموده است. از آنجا که این رویکرد، معتقد به ظرفیت سازی در اجتماعات برای حل مشکل آنها با اندیشه و بازوی خود آنهاست، (صراف، ۱۳۸۲: ۲۷) و تاکید خاصی بر ارتقای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجتماعات محلی دارد، می توان گفت که افزایش توان مشارکتی ساکنان می تواند موجبات پایداری اجتماع محلی تلقی شود (شرکت عمران و بهسازی شهری، ۱۳۸۱: ۱۱۴).

در این پژوهش از نظریات در رابطه با بحث توانمندسازی از جمله توماس و ولتهاوس (انگیزی و ارتباطی) و مدل های تلفیقی استفاده خواهد شد. توماس و ولتهاوس توانمندسازی را مفهومی چند بعدی دانسته و آن را به عنوان فرایند انگیزش درونی تعریف کرده اند که شامل چهار احساس درونی است: ۱- معنی دار بودن: یعنی این که فرد وظیفه ای را که انجام میدهد با معنی و ارزشمند تلقی کند. ۲- شایستگی یا خود باوری: اعتقاد فرد به توانایی و ظرفیت خود برای انجام کارها است. ۳- موثر بودن: عبارت از حدی که در آن فرد توانایی نفوذ در پیامدهای کار خود را دارا می باشد. ۴- حق انتخاب (خودتعیینی): در حالی که شایستگی یک مهارت فردی است خود تعینی یا حق انتخاب یک احساس فردی در مورد حق انتخاب برای تنظیم فعالیت هاست. (Bendar & Peterson, 2006)



مدل توانمند سازی توماس و ولتهاوس

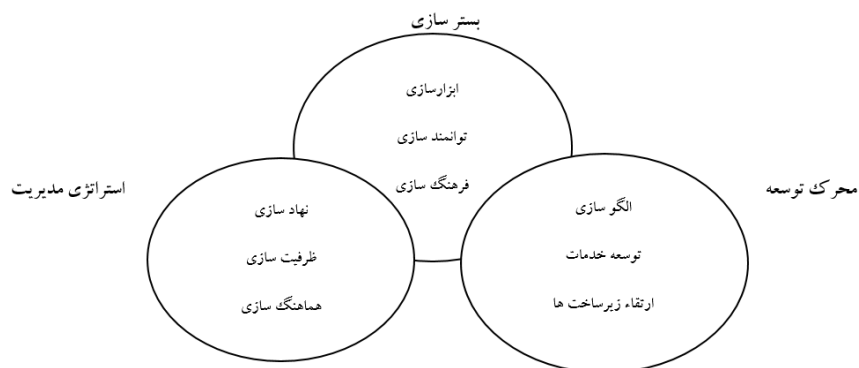
در دهه ۱۹۸۰، اندیشمندانی عموماً دارای دیدگاه لیبرالی انگاره های رایج را به چالش کشیده و نوید نگرشی نو در این زمینه را دادند، بیراه نخواهد بود اگر جان. اف. ترنر را بعنوان اولین پیشگام طرز تفکر توانمندسازی معرفی شود، وی از دهه ۱۹۶۰ با نگارش مقاله های در این زمینه، معتقد بود که حاشیه نشینان فقیر، از نظر فیزیکی و اجتماعی قابلیت بهبود را دارند. رویکرد توانمندسازی، در اولین کنفرانس اسکان بشر در سال ۱۹۷۶ در ونکوور به طور

روشن مورد بحث قرار گرفت. با این حال، تا سال ۱۹۹۶ کنفرانس UN-Habitat در استانبول کمتر مورد توجه بود تا اینکه در این کنفرانس، دیدگاه ترنر، به مثابه جزیی جدایی ناپذیر از واژگان اسناد رسمی مورد توجه جدی قرار گرفت (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۱). این رویکرد به دنبال تقویت ظرفیت های اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و کالبدی این سکونتگاهها به صورت جامع است. در ایران نیز از سال ۱۳۸۰ رویکرد توانمندسازی توسط وزارت مسکن و شهرسازی مورد توجه قرار گرفت و به دنبال آن تحقیقاتی در رابطه با توانمندسازی و حاشیه نشینی انجام پذیرفت. از مهم ترین کارهای پژوهشی می توان به مقاله رفیعیان و سیف الدینی اشاره کرد که در مقاله خود راهبردهای ساماندهی اسکان های غیررسمی شهری و برنامه مداخله در شهر بندرعباس را با دیدی شهرنگر، در سه حوضه برنامه سازی و ارتقاء فیزیکی محلات، توانمندسازی اهالی محلات و نهادهای جهت استمرار و پایداری برنامه طراحی نموده اند (رفیعیان و سیف الدینی، ۱۳۸۴). همچنین زیاری و نوذری در مقاله خود به دنبال پاسخگویی به این پرسش بوده که آیا از طریق ارتقای مولفه های اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی، خدماتی، بهداشتی، قانونی، مسکن و زیست محیطی می توان به توانمندسازی سکونتگاههای غیررسمی پرداخت. نتایج تحقیق بیانگر آن است که ارتقای این مولفه ها تاثیر بسزایی در توانمندسازی و ساماندهی این محلات دارد. در این بین، ارتقاء مولفه های اجتماعی بیشترین تاثیر را در توانمندسازی و ساماندهی ایفا می کند (زیاری و نوذری، ۱۳۸۸). واژه توانمندسازی در بافت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مختلف معانی متفاوتی را به خود می گیرد که شامل کنترل، قدرت متکی به خود، انتخاب، زندگی شرافتمندانه مطابق با ارزش های خویش، ظرفیت چالش و مقابله بر سر حقوق خویش، آزادی، آگاهی و توانایی می باشد که درون نظام های ارزشی و عقیدتی جای دارد (Narayan, 2002: 13-14).

راهبرد توانمند سازی یا آنچه که اخیراً در دستور کار محافل جهانی قرار گرفته تحت عنوان توسعه توانمندی ها بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای ایجاد مسکن و بهبود شرایط زندگی جوامع فقیر تأکید دارد و به مردم این فرصت را می دهد که شرایط خانه و محل زندگی خود را با توجه به اولویت ها و نیازهایشان بهبود بخشند. ارتقاء بخشی همراه با توانمند سازی اجتماعات محلی رهیافتی نوین برای حل مسأله فقر شهری است که دیگر، مهندسی ساختمان و تنها تزریق منابع مالی را راه گشا نمی داند، بلکه مهندسی

اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان های غیر دولتی و محلی و مشارکت فعال مورد نظر است (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۲: ۳۸).

مهم ترین ویژگی رویکرد کنونی و چشم انداز آینده برنامه های بهسازی و نوسازی شهری و ساماندهی و توانمند سازی حاشیه نشینی و سکونتگاه های غیر رسمی تلاش برای تقویت حضور و مشارکت گسترده ساکنان، مالکان و سایر دست اندر کاران امر بهسازی و نوسازی شهری در این فرآیند است. اما تحقق مشارکت پایدار مردمی و حضور گسترده کلیه دست اندرکاران در گرو فراهم کردن بستر های لازم و تشویق و تحریک این فرآیند از طریق فراهم کردن شرایط کمی و کیفی سکونت در این محدوده ها است. از سوی دیگر فراهم شدن زمینه های فوق و اجرای پروژه های محرک توسعه نیازمند وجود ساختار مدیریتی مناسب، هماهنگ و کارآ است. لذا در این رویکرد نوین، ابزار سازی، توانمند سازی و هماهنگ سازی سه رکن بستر ساز تحقق اقدامات بهسازی و نوسازی شهری و الگو سازی، توسعه خدمات و ارتقاء زیر ساخت ها سه برنامه کلیدی تحریک توسعه این فرآیند و نهاد سازی، ظرفیت سازی و هماهنگ سازی سه محور استراتژیک مدیریت این سیاست محسوب می گردند. (سرور، ۱۳۹۳: ۸۴)



کنشگران دخیل در فرآیند توانمندسازی مناطق حاشیه نشین و سکونتگاه های غیر رسمی را می توان در چهار گروه طبقه بندی کرد :

بخش خصوصی، در برگیرنده جامعه حرفه ای؛ شامل تمامی دستگاه ها و شرکت های تخصصی، سرمایه گذاران و نهاد های تأمین کننده سرمایه، جامعه نخبگان، یا به عبارتی مجموعه عوامل و دستگاه هایی که در زمینه تحقیقات و پژوهش و آموزش و مطالعات صاحب نظر و صاحب قلم اند.

دولت، مشتمل بر کلیه دستگاه های اجرایی، نهاد سیاست گذار، ناظر و هدایت کننده فرآیند بهسازی و نوسازی شهری

مردم؛ به عنوان اولین و مهم ترین جامعه ذی نفع نوسازی و بهسازی بافت، پایه و قاعده اصلی مشارکت فعال در امر نوسازی مشتمل بر ساکنان، شاغلان، مستاجرین، مالکان و مراجعین

شهرداری ها، شوراهای اسلامی شهر، سازمان های نوسازی شهری و انجمن های شورایاری وابسته به شوراهای شهر

بخش خصوصی، دولت و شهرداری ها هر یک نقش ویژه ای در این فرآیند بر عهده دارند. اما در این میان ضروری است نقطه کانونی اقدامات هر سه گروه معطوف به مردم و همگام با خواسته ها و نظرات آنان باشد. در یک فرآیند ایده آل، بخش خصوصی ارائه کننده خدمات فنی - تخصصی، تأمین کننده منابع مالی و اجرایی است، دولت نقش تسهیل گر، سیاست گذار، ناظر و همچنین فراهم کننده زمینه ها و بستر های لازم برای تشویق و ترغیب مردم برای حضور و مشارکت را بر عهده داشته و شهرداری ها محور مدیریت اجرایی را بر عهده دارند. (سرور، ۱۳۹۳: ۸۶)

احساس تعلق خاطر داشتن به گروه، جامعه و مکانی خاص از جمله احساسات ضروری در زندگی اجتماعی انسان هاست. از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، حس تعلق اجتماعی، زبان و چهارچوبی را به وجود می آورد که به وسیله آن ما نسبت به نحوه عملکرد افراد در گروه ها و اجتماعات دانش و آگاهی پیدا می کنیم. (Pooley, 73: 2005) درواقع می توان با بهره گیری از فرصت های درون مناطق حاشیه نشین اقداماتی برای ساماندهی این مکان ها انجام داد. هدف از توانمندسازی شهروندان به خصوص در مناطق حاشیه ای شهرها، ایجاد تغییرات مناسب در کلیه ابعاد و جوانب زندگی افراد، خانواده ها، گروه ها و اقشار جامعه است. در این حوزه توانمندسازی نشان دادن این حقیقت به مردم مناطق شهری است که مشارکت آثار مهمی بر توسعه ظرفیت های جامعه دارد (عباسی کارجگان و اسدی، ۱۳۹۲: ۷۶). از این جنبه، مفهوم برنامه ریزی برای توسعه صرفاً "به برنامه ریزی فیزیکی و کالبدی محدود نمی شود و محور توسعه شهری، بعد توسعه انسانی است که نیازمند رشد ساکنان و شهر آنهاست. این بدین مفهوم است که فقرای شهری باید در راستای بعهدہ گرفتن نقش اساسی در راهبردهای توسعه شهری توانمند شوند. (Garau, 2005:44) نتایج پژوهش غفاری و ازکیا (۱۳۸۰) نشان داد که همبستگی معنادار و مستقیم بین اعتماد و

مشارکت اجتماعی مردم در مدیریت شهری وجود دارد، بدین معنا که با افزایش میزان اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

به طور خلاصه، توانمندسازی به دنبال آن است که موانع ذهنی، مالی، اجتماعی و نهادی ساکنان مناطق حاشیه نشین را از طریق آموزش، ایجاد انگیزش، افزایش امکان دسترسی به منابع مالی، اشتغال زایی، افزایش توان مالی خانوارها، ایجاد امنیت اقامت برطرف سازد و با این اقدامات موجب توانمندسازی ساکنان در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و نهادی گردد. افراد وقتی توانمند می‌شوند که در مولفه های معنادار بودن، احساس شایستگی، حق تعیین سرنوشت، احساس تاثیرگذاری و اعتماد اجتماعی به سطح مناسبی برسند. (Thomas & Velthouse, 1990:667)

جدول تعاریف توانمندسازی (اسناد و صاحب نظران داخلی)

صاحب نظر یا پروژه	تعریف
پروژه بندرعباس	الگوی کلی راهبرد توانمندسازی محور انسان و مشارکت گروه های اجتماعی می تواند در قالب دو محور زیر ارائه گردد. ۱- مقررات توانمندسازی حوزه مدیریت سازمانی نظارت کننده و قوانین و مقررات. ۲- توانمندسازی افراد محلات نابسامان شهری در ابعاد مختلف شهری از طریق ارتقاء و بهبود وضعیت (پروژه بندر عباس)
دیرخانه ستاد ملی توانمندسازی	بستر گشایی جهت مشارکت فراگیر مردم و تقویت منابع محلی جهت چاره جویی مسائل و مشکلات اسکان غیررسمی (گزارش اردیبهشت ۸۵)
تجربه کرمانشاه	توسعه نهادهای محلی، تمرکز زدایی در تصمیم گیری و توجه به مشارکت مردم و منابع قدرت اجتماعی ساکنین محلات (تجربه کرمانشاه ۱۳۸۱)
والریا کارازی	توانمند سازی اسکان پایه های غیر رسمی بهبود وضعیت خدماتی و زیر بنایی از طریق مشارکت بخش خصوصی و مردم در مناطق فقیر نشین شهری به گونه ای که بخش خصوصی توان مشارکت در حفظ

و اجرای پروژه ها و طرح های توانمند سازی را داشته باشد. در این تعریف توانمند سازی بهبود وضعیت معابر، شبکه های فاضلاب و تامین بهداشت عمومی را شامل می شود	
---	--

ماخذ: سرور، ۱۳۹۳، ۸۰-۸۲

مطالعات مشارکت اجتماعی نیز دارای سابقه دیرینه ای است، به نظر پارکر، در آغاز، مشارکت اجتماعی به عنوان بعدی از منزلت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این مشارکت به عنوان ابزاری برای خودشکوفایی (وارینر و پراسر، ۱۹۶۵)، حامی تکثرگرایی در جوامع توده ای (نیزبت، ۱۹۵۷ و کورنهارز، ۱۹۵۹)، کاتالیزوری برای وحدت اجتماع محلی (هاری، ۱۹۷۰)، جایگزینی برای پیوندهای تضعیف شده خانواده و کلیسا (ویرث، ۱۹۳۸ و رایزمن، ۱۹۵۴) عامل جامعه پذیری سیاسی و نظامهای دینی غالب (وارینر و پراسر، ۱۹۶۵ و اولسون، ۱۹۷۲) دیده شده است. (PARKER, 1985, 864)

مشارکت مجموعه فرایند بکارگیری توانمندی ها در سطح فردی و در سطح گروهی برای دستیابی به هدف صورت می پذیرد. در تمام جریان مشارکت، نیت بر این است که چه در سطح محلی و چه ملی نیازهای خود را بشناسد، اولویت بندی کند و خود برنامه ی تحقق آن نیاز را طراحی کنند. در واقع فعالیت های توانمندسازی، باید اقدام برای رفع نیازها باشد مشارکتی که تحت تاثیر توانمندسازی شکل میگیرد از نوع مشارکت فعال است که مبتنی بر دانش، آگاهی و اراده شخصی اتفاق می افتد، نه مشارکت منفعلانه که تحت تاثیر اراده دیگران، بدون آگاهی، دانش، اهداف و اراده و خواست شخص صورت می پذیرد. (نوری نشاط، ۱۳۸۸) بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت (۲۰۰۲) مشارکت اجتماعی، فرایندی است که به وسیله آن مردم به صورت فعال و واقعی در تعیین مسائل مشکلاتشان، تصمیم گیری در رابطه با عوامل تاثیر گذار بر روی زندگیشان، تدوین و اجرای سیاست ها، طراحی، توسعه و اجرای خدمات و تلاش برای رسیدن به تغییرات درگیر می شوند. از نظر جامعه شناسی مشارکت اجتماعی در معنای وسیع در برگیرنده انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم گیری درباره امور عمومی است. (طالبی دلیر، غفوری، ۱۳۹۳، ۲)

برخی از اندیشمندان، مشارکت را نوعی کنش هدفمند نیز دانسته اند که در فرایند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی او در جهت نیل به اهداف معین و از پیش تعیین و تعریف شده، نمود پیدا می کند. در نگاهی دیگر مشارکت را فرایند آگاهانه تقسیم قدرت و منابع کیمیا

و فراهم سازی فرصت برای رده های پایین جمعیتی جهت بهبود شرایط زندگی عنوان کرده اند. وقتی مشارکت را به عنوان فراگرد نیرومندسازی در نظر می گیریم مشارکت مبتنی بر سه ارزش « سهم کردن مردم در قدرت و اختیار، راه دادن مردم برای نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصتهای پیشرفت به روی رده های زیرین جامعه خواهد بود». حاصل آن تسهیل در شنیدن صدای دیگران، احساس مالکیت نمودن، از میان بردن حاشیه نشینی، نیرومند ساختن ناتوان و در هم شکستن فرهنگ سکوت خواهد بود. (طوسی، ۱۳۷۰: ۸)

مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه های اصلی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی تسهیل کننده روابط اجتماعی است و ویژگی هایی همچون اعتماد، همکاری، هنجارها و باورهای مشترک، روابط متقابل بین اعضا را در برمی گیرد. سرمایه اجتماعی به ارتباطات و مشارکت اعضای یک گروه می پردازد. مشارکت اجتماعی در معنای وسیع دربرگیرنده انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم گیری درباره امور عمومی است. در واقع مشارکت جامعه نه فقط برای مشورت و جلب نظر مردم و یا استفاده از توانمندی های بالفعل و بالقوه آنان است، بلکه مسیر مشارکت باید به توانمندی مردم ختم شود در این راستا «آموزش» و «توانمندسازی» به عنوان راهکاری برای توسعه مشارکت اجتماعی توجه قرار گرفته شده است (طالبی و غفوری، ۱۳۹۳: ۱). دانیل لرنر عواملی چون سواد، میزان شهرنشینی، دسترسی به رسانه های جمعی و همگانی و نهایتاً ارتباطات را با مشارکت اجتماعی مرتبط می داند و معتقد است که این متغیرها در جامعه ی مدرن بیشتر نمود دارند. وی از جامعه ی جدید به عنوان جامعه ی مشارکتی نام می برد. (لرنر، ۱۹۶۴: ۵۷)

توجه به مشارکت و تأکید بر نقش آن به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال توسعه است. در بررسی و ارزیابی این برنامه ها عدم بهره گیری از مشارکت مردمی به عنوان عامل اصلی شکست برنامه های توسعه ارزیابی شده است. از این رو پس از آن استراتژی های توسعه بر رویکرد مشارکت مردمی به عنوان نیاز اصلی بشر تأکید شده است. بر این اساس، انسانها باید به عنوان آفرینشگران فعال در فرایند تکوین توسعه مشارکت داشته باشند. مردم باید به طور دائمی و در جریان برنامه ریزی، تأمین مالی، اجرا و ارزیابی طرح های توسعه مشارکت داشته باشند. توسعه اجتماعی بیش از مشارکت فردی بر مشارکت جمعی مردم تأکید دارد و در این صورت جمعیت ها، سازمان ها و نهادهای مردمی، شرکت کنندگان اصلی در فرایند توسعه می باشند. یکی از قالبهای مشارکتی مردم در فرایند توسعه

اجتماعی، نهادهای غیر رسمی می باشند. از جمله مصادیق (نهادهای غیر رسمی می توان آداب و رسوم، میثاق های خانوادگی، دلبستگیهای قومی و قبیله ای، اقدامات محلی و قواعد دینی و مذهبی اشاره کرد. نهادهای غیر رسمی میتوانند به ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی و پاسخگویی کمک کنند. (اکبریان، ۱۳۹۱: ۹۰)

مشارکت اجتماعی یکی از عناصر تشکیل دهنده قدرت جوامع و توانمندسازی جامعه است (Norman, 2000:2) و به لحاظ نظری عبارت است از مشارکت آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و مبتنی بر برنامه ها و اهداف مشخص که در قالب انجمن ها، گروه ها، تشکل ها و سازمان های معین دولتی و غیر دولتی در توسعه اجتماعی تاثیر گذارند (سیف الدینی، ۱۳۷۵، ۳۱۵). بنابراین این خانه ها نیستند که شهر را می سازند، بلکه سازندگان اصلی شهروندان هستند. بنابراین با مشارکت دادن مردم در امور شهری و فرآیندهای طراحی، تصویب و اجرای طرح ها و برنامه ریزی ها، نه تنها بهره گیری از پیشنهاد های مبتکرانه و طیف گسترده ای از تواناییها و قابلیت افراد را ممکن می سازد و نیازهای ملموس و غیرملموس ساکنین را به وضوح مشخص می کند، بلکه پیوندهای اجتماعی و ادراکی ایشان را با محیط، حریم و قلمرو زندگی خویش، شناسایی و حفظ آن ارتقا داده و حیات سالم و پویای شهری را تضمین می کند (حبیب، ۱۳۸۶، ۱۱۷).

توانمند سازی و مشارکت، رابطه متقابل و ارگانیک دارند و در تعامل با یکدیگر آثار تسهیل کننده تا تسریع کننده در فرآیندهای مختلف به وجود خواهند آورد. توانمند سازی زمینه های مشارکت را فراهم می سازد و مشارکت به نوبه خود توانمند سازی افراد، گروه ها و جوامع را تقویت می کند و روح پایداری و استحکام در آن می دمد. مشارکت فرآیندی است که در آن مردم محلی می توانند با هم برای ایجاد تغییر در زندگی خود کار کنند و در تصمیم گیری در رابطه با مسائل پیرامونی زندگی خود نقش فعال داشته باشند. دلایل زیادی برای اهمیت مشارکت وجود دارد که عبارتند از:

- مشارکت برای تشریک مساعی و منابع،
- مشارکت برای بهبود پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر،
- مشارکت برای به دست آوردن نتایج مؤثر،
- مشارکت برای فراتر رفتن از نیازمندی های قانونی،
- مشارکت برای بهبود کیفیت پروژه ها و طرح ها،
- مشارکت برای به دست آوردن منابع،

مشارکت برای ایجاد اتحاد و تفاهم،

مشارکت برای افزایش پایداری،

مشارکت برای تسریع در توسعه و مردم سالاری،

مشارکت برای افزایش کیفیت زندگی.

مضمون اصلی مشارکت در محله‌های حاشیه‌ای و پهنه محلات نابسامان، توانمندسازی مدنی ساکنین است. و توانمندسازی مدنی عبارتند از تشکیل نهادهای محله‌ای یا به رسمیت شناختن نهادهای موجود در تصمیم‌گیری و هدایت زندگی محله. بدون شکل گرفتن و فعال شدن چنین نهادهایی که تا حدی لاجرم به تغییر و مناسبات قدرت بین محله و شهر در مورد تصمیمات مرتبط با محله منجر می‌شود، مشارکت مردم در این طرح‌ها به مطرح کردن مطالبات ساکنان، افزوده شدن تقاضاها، حداکثر مشارکت محدود در تأمین مالی برخی پروژه‌های عمرانی محله که تا کنون نیز تحت عنوان پرداخت سهم خود یاری برای آسفالت کوچه‌ها مرسوم بوده است، محدود خواهد شد. هدف از مشارکت یا توانمندسازی مدنی مردم، افزایش احساس تعلق به محله و پاسخگویی مناسب اهالی به پرسش سهم دولت و سهم مردم در ساماندهی زندگی محله است (خاتم، ۱۳۸۱: ۴۰).

در حال حاضر شهرستان پاکدشت به دلیل نزدیک بودن به شهر تهران و با داشتن زمین‌های ارزان‌قیمت و مجاورت با شهرک‌های صنعتی و تولیدی مستعد مهاجرپذیری افراد کم‌درآمد و کارگران ساده و بدون مهارت می‌باشد. و به علت فقدان مدیریت یکپارچه شهری و شرایط کالبدی شهر، شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین و پیامدها و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در این مناطق اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. لذا با توجه به شرایط فوق‌الذکر و علاقه شخصی و زندگی کردن بیش از دو دهه در این شهرستان و آشنایی ملموس با مشکلات موجود؛ بررسی رابطه توانمندسازی در افزایش مشارکت اجتماعی ساکنان این مناطق به عنوان یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در برون‌رفت مناطق حاشیه‌نشین شهری و محلات فرودست شهر پاکدشت از شرایط حاضر ساکنین را ضروری می‌سازد.

بر این اساس مقاله حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامه‌های توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین در افزایش مشارکت اجتماعی تدوین شده و سؤال اصلی این است که برنامه‌های توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین چه تأثیری بر افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان این مناطق بر مدیریت شهری خواهد داشت؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند سازوکارهایی جهت

توانمندسازی شهروندان مناطق حاشیه‌نشین و ترغیب آن‌ها به مشارکت فعال در امور شهری و محله‌ای ارائه دهد.

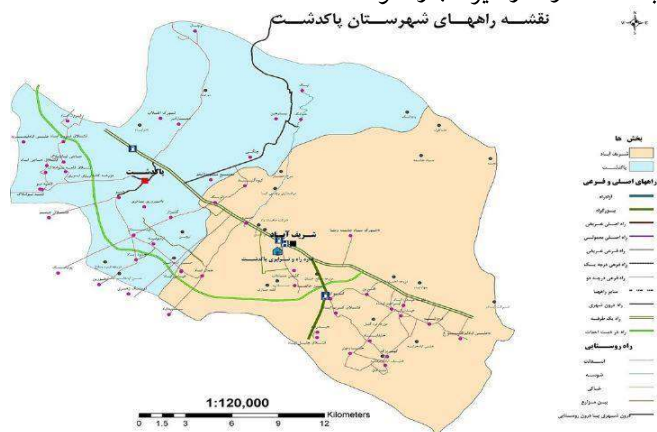
روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق کلیه ساکنان شهرستان پاکدشت (محله استاد شهریار) بودند که جمعیت مناطق حاشیه‌نشین آن در حدود سی هزار نفر تخمین زده می‌شود که به این ترتیب حجم نمونه با استفاده از جدول کوکران عدد ۳۷۹ به دست آمده است. ابزار مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته که روایی آن از طریق مصاحبه و مشورت با اساتید و کارشناسان تأیید شده، استفاده گردید و برای سنجش پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده که ضریب آلفای محاسبه شده برای پرسشنامه مشارکت اجتماعی ۰٫۸۷ و برای پرسشنامه توانمندسازی ۰٫۸۵ بوده و برای هر دو پرسشنامه بیشتر از ۰٫۷ می‌باشد، و قابلیت اعتماد پرسشنامه‌های تحقیق حاضر در حد قابل قبولی می‌باشد. پرسشنامه‌ها پس از تنظیم در بین جامعه آماری توزیع شد و سپس جمع‌آوری شده و پاسخ‌های آن جهت بررسی و سنجش متغیرهای مورد مطالعه بکار رفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. با استفاده از این نرم‌افزار، پس از جمع‌آوری داده‌ها و بررسی متغیرهای جمعیت شناختی با استفاده از آمار توصیفی، اقدام به اجرای آزمون‌های آمار استنباطی شد. در این تحقیق جهت بررسی فرضیات و پاسخگویی به سؤالات تحقیق از آزمون رگرسیون استفاده گردید.

معرفی محدوده تحقیق

شهرستان پاکدشت یکی از شهرستان‌های استان تهران است. این شهرستان در جنوب شهر تهران و مرکز آن شهر پاکدشت است. این شهر در سال ۱۳۶۹ با به هم پیوستن سه روستای قوه، پلشت و مامازن تأسیس گردید و در ادامه در طی این سال‌ها روستاهای خاتون آباد، بیر و حصار امیر و شهرک انقلاب به ترتیب به آن الحاق شد. مساحت کنونی این شهر در حال حاضر در حدود ۲۵۰۰ هکتار می‌باشد. بنابر سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، تعداد ۱۰۰۲۲۸ خانوار شامل ۴۱۰۶۰۹ نفر در این شهرستان ساکن بوده‌اند که از این تعداد ۱۷۹۰۳۷۵ نفر مرد و ۱۷۱۰۵۹۱ نفر زن بودند. پاکدشت از شهرستان‌های استان تهران و از مهاجرپذیرترین شهرستان‌های ایران است. پاکدشت همچنین به دلیل سطح بالای زیر کشت سبزیجات و گل و گیاهان زینتی که به تمام نقاط ایران و حتی خارج از کشور صادر

می شود به پایتخت گل و گیاه معروف شده است همچنین سایت و مناطق نظامی پارچین در این شهرستان واقع شده که اهمیت آن را دوچندان نموده است. طبق اظهارات پژوهشگران اسامی بسیاری از روستاهای پاکدشت نام‌هایی باستانی‌اند. از جمله این اسامی می‌توان به نام روستای مامازند، بیر و ... اشاره کرد. محله استاد شهریار شمال غرب پاکدشت در منطقه حصار امیر واقع شده است که خارج از محدوده شهری می باشد. و ساکنین این منطقه از سال ۱۳۹۲ شروع به ساخت و ساز غیر مجاز نمودند.



یافته‌ها: نتایج آمار توصیفی : توصیف متغیر توانمند سازی

جدول ۱: توصیف متغیر توانمند سازی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کوچک ترین داده	بزرگ‌ترین داده
۳۷۹	۳/۳۴	۰/۵۴	۰/۳	۱/۹۲	۴/۸۴

با توجه به جدول فوق متغیر توانمندسازی دارای کوچک‌ترین داده ۱/۹۲، بیشترین ۴/۸۴، میانگین ۳/۳۴، انحراف معیار ۰/۵۴ و واریانس ۰/۳ می باشد. می‌توان گفت بسیاری از محققان بر توانمندسازی به عنوان یک رویکرد سیاسی دوجانبه متمرکز شده‌اند، روند اخیر تحقیقات، به طور فزاینده‌ای، توانمندسازی را به عنوان ساختاری چندبعدی، با ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در نظر گرفته‌اند و در این پژوهش نیز توانمندسازی در سه بعد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.

توصیف متغیر مشارکت اجتماعی

جدول ۲: توصیف متغیر مشارکت اجتماعی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کوچک‌ترین داده	بزرگ‌ترین داده
۳۷۹	۳/۲۸	۰/۵۷	۰/۳۲	۱/۸۲	۴/۸۲

با توجه به جدول فوق متغیر مشارکت اجتماعی دارای کوچک‌ترین داده ۱/۸۲، بیشترین ۴/۸۲، میانگین ۳/۲۸، انحراف معیار ۰/۵۷ و واریانس ۰/۳۲ می‌باشد. مشارکت اجتماعی از مبانی سرمایه اجتماعی در جوامع دموکراتیک به حساب می‌آیند. جوامعی که حضور همه اقشار را برای مشارکت در جامعه فراهم کنند، علاوه بر پیشبرد توسعه، به افزایش سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در جامعه از جمله آگاهی، اعتماد، مشارکت اجتماعی و فرهنگ دموکراتیک، کمک فراوانی خواهند کرد (مرادزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰۹).

بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

جدول ۳: بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

آزمون Kolmogorov-Smirnov			
نتیجه	آماره Z	سطح معنی‌داری	
مشارکت اجتماعی	۰/۰۹	۰/۰۰۰	غیر نرمال
توانمندسازی	۰/۰۶	۰/۰۰۱	غیر نرمال

نتایج آمار استنباطی:

توانمندسازی در مناطق حاشیه‌نشین، تأثیر معنادار و مثبتی در افزایش مشارکت اجتماعی دارد.

جدول ۴: ضریب همبستگی اسپرمن رابطه بین توانمندسازی با مشارکت اجتماعی

تعداد	مقدار R	سطح معنی‌داری
۳۷۹	۰/۷۶	۰/۰۰۰

با توجه به جدول فوق سطح معنی‌داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و می‌توان بیان داشت با ۹۵ درصد اطمینان بین توانمندسازی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد و هرچقدر توانمندسازی افزایش یا کاهش پیدا کند مشارکت اجتماعی افزایش یا کاهش

می‌یابد. سطح معنی داری آزمون (sig=0.000) کمتر از (sig=0.05) می‌باشد بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر وجود رابطه معنادار بین دو متغیر توانمندسازی مناطق حاشیه نشین در افزایش مشارکت اجتماعی تایید شده است، عدد ضریب همبستگی اسپیرمن برابر با ۰.۷۶ است که حاکی از وجود رابطه مثبت و با سطح تاثیر متوسط بین دو متغیر فوق می‌باشد.

بحث

نتایج آزمون نشان داد که بین توانمندسازی و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت وجود دارد و هرچقدر توانمندسازی افزایش یا کاهش پیدا کند مشارکت اجتماعی افزایش یا کاهش می‌یابد. نتیجه این پژوهش با پژوهش اعظمی و همکاران (۱۳۹۵) و طالبی و غفوری (۱۳۹۳) همسو می‌باشد. مشارکت اجتماعی دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. درواقع مسیر توانمندسازی موجب توسعه مشارکت اجتماعی می‌شود. مشارکت اجتماعی، نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که همه افراد انسانی ناگزیر به پذیرش آن هستند. این تعهد و مسئولیت یا ممکن است در قالب فعالیت معین و نامحدودی صورت پذیرد، مانند بسیاری از رفتارهای اخلاقی و اجتماعی، یا این که ساختار حقوقی و اقتصادی به خود می‌گیرد. درجه مشارکت اجتماعی افراد، خانواده‌ها، قشرها و گروه‌های مختلف یک جامعه (بویژه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی) در تداوم حیات یک جامعه ورشد و نوسازی آن عاملی است بنیادی که می‌تواند تسهیل‌کننده و یا بازدارنده حرکت نوسازی جامعه باشد. بنابراین، ظرفیت انسان نو برای حل مشکلات ناشی از شهری شدن و نابسامانیهای اجتماعی مدرن و تامین عدالت برای همگان تنها بستگی به کمیت و کیفیت دانش و مهارت‌های فنی او ندارد، بلکه میزان مشارکت اجتماعی و تعامل و ارتباط متقابل سیاسی و اجتماعی نیز باید در جامعه جای خود را باز کند. (توسلی، ۱۳۸۲: ۶۵)

مشارکت اجتماعی از مبانی سرمایه اجتماعی در جوامع دموکراتیک به حساب می‌آیند. جوامعی که حضور همه اقشار را برای مشارکت در جامعه فراهم کنند، علاوه بر پیشبرد توسعه، به افزایش سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در جامعه از جمله آگاهی، اعتماد، مشارکت اجتماعی و فرهنگ دموکراتیک، کمک فراوانی خواهند کرد (مرادزاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۰۹). می‌توان گفت برنامه‌های توانمندسازی، با مشارکت دادن مردم در امور شهری و فرآیندهای طراحی، تصویب و اجرای طرح‌ها و برنامه ریزی‌ها، نه تنها بهره

گیری از پیشنهاد‌های مبتکرانه و طیف گسترده‌ای از توانایی‌ها و قابلیت افراد را ممکن می‌سازد و نیازهای ملموس و غیرملموس ساکنین را به وضوح مشخص می‌کند، بلکه پیوندهای اجتماعی و ادراکی ایشان را با محیط، حریم و قلمرو زندگی خویش، شناسایی، حفظ و ارتقا داده و حیات سالم و پویای شهری را تضمین می‌کند. از دیدگاه‌های روان‌شناختی افزایش مشارکت اجتماعی در جامعه را ناشی از تغییر در نگرش، افکار و شخصیت افراد می‌دانند. به‌منظور بالا رفتن میزان مشارکت مردم در جامعه، ایجاد سلسله‌تغییرات مطلوبی در ساخت شخصیت آن‌ها الزامی است. در این دیدگاه، تأکید بر الگوهای تغییر در سیستم اعتقادات و خصوصیات شخصیتی است، مردم باید از نظر روانی، انگیزه کسب موفقیت بیشتر را داشته باشند. از نظر انگلس انسان مدرن، شهروندی مشارکت‌کننده، آگاه، مستقل، خودمختار و قابل‌انعطاف است و نسبت به انجام وظایف و کارها احساس مسئولیت کامل می‌کند. (دانشمندی، علی، ۱۳۷۷: ۴۶۱)

آنچه در تمام رویکردهای توانمندسازی اجتماع محور مطرح است تأکید بر حضور افراد با منافع و ارزش‌های مشترک، شبکه‌های اجتماعی میان آنان است. در نتیجه شبکه‌های اجتماعی مدنی (تعاونی‌ها، انجمن‌ها و...) از شکل‌های ضروری سرمایه اجتماعی هستند که با تراکم هرچه بیشتر این شبکه‌های مشارکتی احتمال فعالیت و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بیشتر خواهد شد (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۱).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

با نگاهی به وضعیت موجود محله‌های محروم در شهرهای کشور، که هر روزه میزان جمعیت و نیازهای آنان و به تبع آن مشکلات و آسیب‌های اجتماعی‌شان افزایش می‌یابد و از طرفی منابع و ظرفیت‌های نهادهای دولتی ذیربط که به تناسب آن کمتر توسعه پیدا می‌کند، ضرورت توجه به منابع انسانی جامعه و پتانسیل‌های آن‌ها برای مشارکت و همراهی در برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات لازم بیش از پیش مشهود می‌گردد. مشارکت اجتماعی مردم جزئی از ساخت اجتماعی هر جامعه را تشکیل می‌دهد. از نظر صاحب‌نظران مکتب ساخت‌گرایی، روابط پایدار نهادینه‌شده در جامعه‌اند که میزان مشارکت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مشارکت اجتماعی توده مردم، ساخت جامعه را حفظ می‌کند و موجب بقا و ادامه حیات آن‌ها می‌شود. برای بالا بردن مشارکت افراد یا گروه‌ها در جامعه باید تغییرات اساسی در ساخت‌های گوناگون جامعه ایجاد شود. با توجه به تأیید تاثیر توانمند سازی در افزایش

مشارکت اجتماعی در منطقه مورد مطالعه، راهکارهایی برای مشارکت بیشتر افراد جامعه در محله های حاشیه نشین پیشنهاد می شود:

-اعتماد سازی به عنوان پیش شرط اصلی جلب مشارکت های مردمی در فرآیند ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی شهری از طریق مجراهایی چون شورایاری ها، انجمن های محلی و افراد معتمد و با نفوذ محلات.

-ارتقای سطح آگاهی های اجتماعی ساکنان و افزایش مشارکت مردمی در تأمین خدمات زیر بنایی، فرهنگی و اجتماعی.

-مشارکت دادن مردم منجر به افزایش منابع برای حمایت و پشتیبانی در حل مشکلات خواهد شد.

-توجه و ارتقای ارزش های اجتماعی مثبت و احترام به منزلت و جایگاه انسان ها.

-زمینه سازی مساعد برای فعالیت های گروه ها و سازمان های مردم نهاد، (سمن ها).

- مشارکت دادن مردم به افزایش دانش و مهارت آنان منجر شده و بدین ترتیب فرصت هایی را برای ارتقای زندگی شان (توانمندی) فراهم می سازد.

-ایجاد مراکزی با حضور جمعی و تعامل اجتماعی میان ساکنین به منظور افزایش همبستگی و وفاق اجتماعی میان آنان.

-تشکیل نهاد توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی از طریق سازمان های مرتبط با مسائل شهری به منظور برنامه ریزی صحیح برای حل مشکلات این سکونتگاه ها.

-بازنگری طرح های جامع و تفصیلی شهر و اصلاح آن مطابق با عدالت اجتماعی و در برگیرنده همه اقشار جامعه.

-اعمال سیاست های تمرکز زدایی و جلوگیری از رشد افسارگسیخته شهرها برای جلوگیری از مهاجرت.

-مشارکت دادن تمامی ذینفعان طرح اعم از ساکنین اجتماعات غیررسمی و سازمان های ذیربط در روند تهیه طرح و به عبارتی مشارکت دادن این ذینفعان از مرحله تهیه تا اجرای طرح.

-ارائه سازوکارهایی جهت جلب مشارکت ساکنین محله ، مانند سازوکارهای تشویقی، تسهیل گری، رقابت ایجاد کردن در بین بخش های مختلف محله در راستای بهبود مشکلات محله

- ایجاد نهادهای مستقل و دارای جایگاه قانونی و قدرت لازم جهت رسیدگی مشکلات سکونتگاه های غیررسمی در داخل شهرداری و هماهنگی با شورای محله ای به طور ویژه و تخصصی جهت بررسی و حل مشکلات این محلات.

- ایجاد امنیت تصرف برای ساکنین جهت جلب اعتماد آنها برای مشارکت فعال در برنامه های توانمندسازی، زیرا دلیل عدم مشارکت ساکنین ناشی تصرف غیررسمی مسکن در بین آنهاست که ترس از دست دادن املاک مانع اعتماد و ارتباط آنها با شهرداری میشود.

منابع و مأخذ:

ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰) بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، **نشریه نامه علوم اجتماعی**، شماره ۱۷: ۱-۲۲.

اکبریان مهدی، فتحی لایلا (۱۳۹۱) مشارکت مردم اساس توسعه اجتماعی، **مجله تخصصی پژوهش و سلامت**، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت گناباد، دوره ۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱.

اعظمی، موسی؛ عطائی، پوریا؛ علی آبادی، وحید؛ موسیوند، مریم (۱۳۹۵) ارزیابی تأثیر مؤلفه های توانمندسازی روستا-ناختی بر مشارکت اجتماعی زنان در سازمان های اجتماع محور: کاربرد معادلات ساختاری، **فصلنامه زن و جامعه**، سال ۲، شماره ۱: ۱۶۲-۱۴۳.

بهادری، ج. (۱۳۸۶)، **دسته بندی عملکردی سیاست های اجرایی توانمندسازی اسکان غیر رسمی و کاربرد عملی آن در شهرک سعدی شیراز**، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته شهرسازی، دانشگاه شیراز.

بهرامی، رحمت الله، تابستان (۱۳۸۸)، عوامل میل موهو بر شکل گیری حاشیه نشینی و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی، **مطالعه موردی: شهر سندج " فصلنامه تخصصی مسکن و محیط روستا**، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شماره ۱۲۶.

پوراحمد، احمد و وفایی، ابوذر (۱۳۶) تأثیر مدرنیسم بر ساختار کالبدی فضایی شهر ایرانی - اسلامی (مطالعه موردی: شهر کاشان)، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال ۷، شماره ۲۰: ۶۳-۷۶.

توکلان، علی و انوشیروان مهری، ۱۳۹۶، **توانمندسازی ساکنان مناطق حاشیه نشین**، سومین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهر سازی و مدیریت شهری، شیراز، موسسه معماری و شهر سازی سفیران راه مهرازی.

توسلی، عباسعلی، ۱۳۸۴، مفهوم سرمایه های اجتماعی در نظریه های کلاسیک و جدید، **فصلنامه علوم اجتماعی** شماره ۲۶.

تیمورزاد، کاوه، مسایلی، فاطمه؛ تاجیک، محمدرضا؛ (۱۳۹۲)، نقش مدیریت محله در جلب مشارکت اجتماعی، **مطالعات مدیریت شهری**، شماره ۱۴، صص ۱۵-۲۶.

خاتم، اعظم (1381) سهم مردم سهم دولت در طرح های توانمندسازی و بهسازی محله **نشریه هفت شهر**، سال ۳، شماره ۹ و ۱۰، تهران. ص ۳۰.

داداش پور، حسین آبادی، س، پورطاهری، م (۱۳۹۱)، تحلیل نقش توانمند سازی ساکنان در بهسازی کالبدی - محیطی سکونتگاه های غیررسمی نمونه موردی: محدوده شرق کال عیدگاه سبزوآر، **نشریه جغرافیا و برنامه ریزی**، **دانشگاه علوم محیطی و معماری**، سال ۱۶، شماره ۴۱، پاییز، صص ۹۵-۱۲۷.

دانشمندی، علی؛ (۱۳۷۷)، نقش نهاد های مدنی در توسعه اجتماعی، **مجموعه مقالات اولین همایش تدوین برنامه سوم، سازمان برنامه و بودجه**، جلد سوم.

ربانی، رسول و افشار کهن، جواد (۱۳۸۱)، حاشیه نشینی و مشارکت شهری (مطالعه موردی: منطقه ارزنان اصفهان در سال ۱۳۸۰)، **فرهنگ اصفهان**، شماره ۲۴: ۹۵-۱۰۱.

رضازاده، راضیه؛ محمدی آیدغمیش، فاطمه؛ رفیعان، مجتبی (۱۳۹۱) توسعه اجتماعی محلی با بهره گیری از ظرفیت های مشارکتی رویکرد دارایی مینا (مطالعه موردی: محله امامزاده حسن، منطقه ۱۷ تهران)، **مدرس علوم انسانی - برنامه ریزی آمایش فضا**، دوره ۱۶، شماره ۲: ۳۷-۵۵.

رفیعان، مجتبی، سیف الدینی، فرانک (۱۳۸۴)، راهبردهای ساماندهی اسکانهای غیررسمی شهری و برنامه مداخله در شهر بندرعباس، **مجله بین المللی علوم مهندسی**، صص ۱۶، ۱.

زیاری، ک.، نذری، آ (۱۳۸۸)، ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیررسمی شهر اهواز (کوی منبع آب)، **پژوهش های جغرافیای انسانی**، شماره ۶۸، تابستان، صص ۲۱-۳۶.

سرور، رحیم؛ دوست، مجید (۱۳۹۳)، اصول و مبانی توانمند سازی مناطق نا بسامان شهری، **شهری، نشر: دانشگاه آزاد اسلامی**، چاپ اول

صرافی، مظفر (۱۳۸۲)، به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیررسمی، از پراکنده کاری گزینش تا همسویی فراگیر، در **فصلنامه هفت شهر** سال سوم، شماره نهم و دهم صص ۳-۶.

صرافی، مظفر (۱۳۸۲)، بازنگری ویژگی های اسکان خود انگیخته در ایران در جستجوی راهکارهای توانمند سازی، مجموعه مقالات سمینار حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، **دانشگاه علوم بهزیستی**.

طالبی دلیر، معصومه و محبوبه غفوری (۱۳۹۳) سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و توانمند سازی، کنگره ملی پژوهش های کاربردی علوم انسانی اسلامی، گرگان، **مرکز علمی و کاربردی خانه کارگر گرگان**.

طوسی، محمد علی (۱۳۷۰)، مشارکت در مالکیت و مدیریت، **انتشارات مرکز آموزش اقتصاد کشاورزی و توسعه** - شماره ۳۶

عباسی کارجگان، داوود و اسدی، محمودرضا (۱۳۹۲) رابطه توانمند سازی شهروندان منطقه ۱۸ تهران با مشارکت در مدیریت شهری، **فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری**، شماره ۳: ۹۳-۷۵.

قرن سولفو؛ ملیحه و انتظام، سیدعلی اکبر (۱۳۹۴) بررسی رویکرد توانمند سازی در سازمان دهی حاشیه شهر نمونه موردی: شهرک مهدی آباد مشهد، **همایش ملی معماری و شهر سازی بومی ایران یزد**، بهمن ماه: ۲۵-۱.

مرادزاده، عبدالباسط؛ قاسمی، محمد؛ سالارزهی، حبیب الله؛ یعقوبی، نر محمد؛ بذرافشان، جواد (۱۳۹۷) توانمند سازی اجتماع محور: ارزیابی ظرفیت سرمایه اجتماعی ذینفعان محلی، **مدیریت سرمایه اجتماعی**، دوره ۵، شماره ۴: ۵۲۲-۵۰۳.

حبیب، فرح (۱۳۸۳). رویکرد پایداری در متن شهر سازی، **دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات**، **فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست**، دوره نهم، شماره ۱، بهار.

رهنما، محمد رحیم (۱۳۸۸)، برنامه ریزی مناطق مرکزی شهر ها (اصول، مبانی، تئوریهات، تجربیات و تکنیک ها)، **انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد**.

- Pooley, J. , Cohen ,L ,&Pike, L (2205) **can sense of community inform** Social Science Journal ,42(1) ,71-79
- Thomas kenneth, W & Velthouse, A, 1990, **Cognitive Elements of Empoverment: An Interperetive Model of Interinsic Task Motivation**, Academy of Management Review. Vol.15.No.4.pp.666-681
- UN-HABITAT (2003) ,**The challenge of slums, Global Report On Human settlement**.
- سیف الدینی، فرانک (۱۳۷۵)، برنامه ریزی محلی و مشارکت مردم در توسعه کشاورزی، **مجموع مقالات اولین کنفرانس اقتصاد کشاورزی در ایران**، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- شرکت عمران و بهسازی شهری (۱۳۸۱)، **همایش تخصصی، فصلنامه هفت شماره ۸**، تابستان، صص ۹۸-۱۱۴
- لرنر، دانیل، (۱۹۶۴)، **گذر به جامعه سذمتی: نوسازی خاورمیانه**، ترجمه: غلامرضا سروری، پژوهش‌کده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- لرنی. منوچهر (۱۳۸۳)، **آسیب شناسی امنیت**، تهران، ناشر: پیام پویا، چاپ اول، پاییز.
- نوری نشاط، سعید، (۱۳۸۸) **مقدمه ای بر اصول و روش های توانمندسازی محلی**، تهران، برگ زیتون.
- هادیزاده بزاز. مریم، **حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان**، مشهد، ناشر: شهرداری مشهد، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۲.
- Bendar, R. L. and Peterson, S. R. (2006). Self esteem paradoxes and innovations in clinical theory and practice Washington, AC American Psychological Association
- Garau, P. ,(2005) ,**A home in the city**,Elliot D. Sclar-Gabrielly. Carolina Earthscan
- Huchzermeyer, Marie, (2004): **"from"contravention of laws" to "lack of rights"**: redefining the problem of informal settlements in South Africa", Habitat International 28.
- Khalifa , M., (2015), **Evolution of informal settlements upgrading strategies in Egypt: From negligence to participatory development**, Ain Shams Engineering Journal, Volume 6, Issue 4, December 2015, Pages 1151–1159.
- Narayan D. (2002), **Empowerment and Poverty reduction**; a source book, the World Bank press
- Magigi, Wakuru, B.B.K. Majani, (2006):**"Community involvement in land regularization for informal settlements in Tanzania:A strategy for enhancing security of tenure in residential neighborhood"**, Habitat International 30
- Norman, J.(2002) .**Reid How People Power Brings Sustainable Benefits to Communities** USDA Rural Development Office of Community Development June.
- Parker, R (1985),**measuring social participation** ,American sosiological Review. vol.84,Issue,864-873